

نخستین فرستادگان پرتغال به دربار شاه اسماعیل صفوی

"The First Age of The Portuguese Embassies, Navigations and Peregrinations in Persia"

اثر: رونالد بیشاب اسمیت، ترجمه حسن زنگنه، مقدمه از دکتر محمد باقر وثوقی، نشر به دید، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ۱۴۴ صفحه.

تسلط ترکان عثمانی بر قسطنطنیه و سقوط دولت بیزانس در سال ۱۴۵۳م سبب شد تا خطوط ارتباطی و تجاری مدیترانه شرقی در زیر سلطه و سیادت عثمانی قرار گیرد و به تعبیر دیگر راه تجارت اروپا به مشرق زمین از راه آسیای صغیر و شام بسته شود. اما بازرگانان مغرب زمین هرگز نمی‌توانستند بازرگانی خود را با شرق تمام شده بدانند و از آن همه ثروت چشم‌پوشی کنند؛ از این رو بر آن شدند تا راههای دیگری برای رسیدن به سرزمینهای آسیایی بیابند.

بازرگانان و دولت‌های اروپایی کم و بیش می‌دانستند که دو راه برای رسیدن به مشرق زمین وجود دارد؛ یکی راه خشکی یعنی از شرق اروپا، روسیه و ایران و دیگری از راه دریاهای جنوبی که با آبهای اقیانوس هند ارتباط می‌یافت. راه نخستین، سخت و خطرناک بود و از سرزمینهای اروپای شرقی و روسیه می‌گذشت و در زمستان بر اثر برف و سرمای شدید مسدود بود، اما راه دوم مطمئن‌تر به نظر می‌رسید؛ پرتغال نخستین کشوری بود که این راه را کشف کرد؛ زیرا از نظر جغرافیایی، موقعیتی خاص داشت.

* دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران

پس از کشف این راه دریایی، خلیج فارس تا حدی ارزش اقتصادی خود را از دست داد، اما آلفونسو آلبوکرک در سال ۱۵۰۷ جزیره هرموز* را تصرف کرد و این مکان مرکز تجارت شرق شد و در اوج پیشرفت، سیصد کشتی در ساحل آن لنگر می‌انداخت و جمعیتی حدود چهل هزار نفر داشت.

با ورود پرتغالی‌ها به جزیره هرموز که با ششمین سال سلطنت شاه اسماعیل اول صفوی هم‌زمان بود، روابط ایران و پرتغال آغاز شد و کتاب نخستین فرستادگان پرتغال به دربار شاه اسماعیل صفوی در همین زمینه است.

این کتاب ترجمه‌ای از کتاب تاریخ‌نگار آمریکایی، رونالد بیشاپ اسمیت، است که در سال ۱۹۷۰ در مرلند چاپ شده است. نویسنده براساس اسناد پرتغالی و نامه‌های اداری و مطالب سفرنامه‌ها، نخستین روزهای ارتباط ایران و پرتغال را در خلیج فارس در عصر شاه اسماعیل صفوی بررسی کرده است.

با توجه به اینکه بسیاری از نامه‌های اداری پرتغالی و بخش‌هایی از سفرنامه‌های چاپ نشده پرتغال درباره هرموز، خلیج فارس و ایران در این کتاب چاپ شده است، این اثر می‌تواند یکی از منابع اسنادی و دسته اول در زمینه روابط ایران با پرتغال در عصر شاه اسماعیل اول باشد. حسن زنگنه**، کتاب نخستین فرستادگان پرتغال به دربار شاه اسماعیل صفوی را ترجمه کرده است.

* واژه هرموز ترکیبی از دو واژه خور (هور) و موغ و به معنای لنگرگاه ایالت مغستان است. خور یا هور به معنای مسیرهای آبی در دریاست که عمق بیشتری دارد و کشتیهای بزرگ برای جلوگیری از به گل نشستن در جاهای کم عمق دریا از این مسیر رفت و آمد می‌کنند و در پایان این مسیر، لنگرگاه کشتی قرار می‌گیرد. موغ در زبان محلی به معنای درخت نخل است و نام مغستان یا میناب حالیه از ساختار طبیعی منطقه و وجود درختان نخل گرفته شده است.

** حسن زنگنه از محققان و مترجمان کوشای جنوب ایران است که تاکنون بیش از ۲۸ کتاب تألیف و ترجمه کرده و اغلب این کتابها درباره خلیج فارس، روابط خارجی، تاریخ اجتماعی و تاریخ اقتصادی ایران است؛ همچنین مقاله‌های متعددی در زمینه مسائل سیاسی و تاریخی خلیج فارس، جنگ جهانی اول و انقلاب مشروطیت نگاشته است.

این کتاب شامل پیشگفتار، مقدمه، سیزده فصل، فهرست اعلام و ضمیمه است. دکتر محمدباقر وثوقی، مقدمه‌ای استادانه بر کتاب نوشته است که نشان از تسلط وی بر مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خلیج فارس به ویژه روابط ایران و پرتغال در زمان شاه اسماعیل صفوی دارد. دکتر وثوقی از نگاه درونی و بیرونی با دیدی نقادانه و دقیق مسائل سیاسی و به ویژه اقتصادی ایران را در عصر شاه اسماعیل صفوی در گستره جهانی و در آستانه سده شانزدهم بررسی کرده است.

نویسنده مقدمه معتقد است که وضعیت جهانی در آستانه سده شانزدهم به نفع تجارت مسلمانان در خلیج فارس و اقیانوس هند نبود. تسلط عثمانی بر اروپای شرقی و قدرت گرفتن این دولت سبب شد تا اروپا به فکر راههایی دیگر برای دسترسی به شرق باشد. پرتغالی‌ها در آستانه سده شانزدهم سواحل جنوبی آفریقا را دور زدند و خود را به شرق هندوستان رساندند و هدف بعدی آنان دستیابی به سرزمینهای روسیه و در دست گرفتن گذرگاههای مهم دریایی بود.

نویسنده مقدمه وضعیت نامتعادل سیاسی حکومت‌های گوناگون حوزه اقیانوس هند و خلیج فارس را زمینه‌ای مناسب برای حضور پرتغالی‌ها در این مناطق می‌داند و می‌نویسد که حکومت‌های مسلمان جنوب هند در بدترین وضعیت سیاسی، خود را با ارتش مجهز به ناوگانهای قدرتمند روبه‌رو دیدند و به سرعت تسلیم قدرت توپخانه‌ای پرتغالی‌ها شدند.

دکتر وثوقی حضور اروپاییان و تأثیر منفی آنان را بر تجارت و اوضاع سیاسی پس‌کرانه‌های خلیج فارس بررسی می‌کند؛ کتابهای دیگر کمتر به این تأثیر در پس‌کرانه‌ها پرداخته و بیشتر به کرانه‌ها توجه داشته‌اند، اما نویسنده مقدمه با توجه به احاطه علمی بر کرانه‌ها و پس‌کرانه‌ها به ویژه در زمینه تجارت دریایی که از مسائل مهم

ناگفته تاریخ اقتصادی جنوب ایران است، حق مطلب را به خوبی ادا می‌کند و در ادامه به ورود آلبوکرک، فرمانده قدرتمند پرتغالی، به صحنه نظامی و سیاسی خلیج فارس می‌پردازد و درباره تصرف هرموز در سال ۱۵۰۷ میلادی و مقاومت خواجه عطا، وزیر پادشاه هرموز مطالبی می‌آورد. همچنین از حکومت محلی (شاهان) نام می‌برد که در این زمان خراج‌گزار پرتغالی‌ها می‌شوند و اشاره می‌کند که نخستین قرارداد رسمی میان آلبوکرک و پادشاه هرموز در این دوره امضا شد.

تهاجم اول نیروهای پرتغالی با موفقیت قطعی همراه نبود. فتح نهایی هرموز و مناطق پس‌کرانه‌ای خلیج فارس هشت سال پس از تهاجم اول به وقوع پیوست. آلبوکرک در این مقطع از دوستی پادشاه هرموز و شاه اسماعیل صفوی نگران بود و به همین دلیل با تمام توان نظامی خود به خلیج فارس لشکرکشی و جزیره هرموز را تصرف کرد؛ زیرا این جزیره کانون تحولات اقتصادی و سیاسی منطقه به شمار می‌رفت. خلیج فارس از نخستین روزهای استقرار پرتغالی‌ها تا ۱۵۳۳ میلادی هیچ‌گاه کامل در اختیار آنان قرار نگرفت.

هرموز براساس قرارداد رسمی میان آلبوکرک و پادشاه هرموز تحت‌الحمایه پرتغال محسوب می‌شد اما در همه کارها مستقل بود؛ تنها ارتباط هرموز و دولت پرتغال از راه پرداخت خراج سالیانه بود که خواجه عطا بارها و بارها از پرداخت آن خودداری کرد. نویسنده مقدمه در ادامه به قیام گسترده رئیس شرف‌الدین فالی علیه پرتغالی‌ها در قلهات، بحرین و هرموز اشاره می‌کند و دلیل اصلی این قیام را ظلم و ستم بیش از حد کارگزاران پرتغالی در خلیج فارس می‌داند که از دوره نیابت سلطنت لویسوارز شدت گرفته بود.

دکتر وثوقی می‌نویسد با روی کار آمدن سلغرشاه دوم در سال ۹۴۰ق/۱۵۳۳م امتیاز بهره‌برداری از درآمدهای گمرکی به فرماندار پرتغالی هرموز واگذار شد؛ این عمل

به معنای از دست دادن بخش عمده درآمدهای امیر هرموز و کاهش قدرت اجرایی او بود؛ واگذاری این امتیاز تسلط اقتصادی پرتغال را بر خلیج فارس کامل کرد.

دکتر وثوقی به ظهور قدرتهای جدید در منطقه خلیج فارس از جمله عثمانی، انگلیس و هلند و رقابت آنها با پرتغالی‌ها و تضعیف قدرت آنان به ویژه در جنگهای طولانی میان عثمانی و پرتغال اشاره می‌کند که سبب پیروزی پرتغالی‌ها شد، اما ضعف ساختار نظامی آنان را آشکار ساخت. وی می‌نویسد کمپانی هند شرقی که در سال ۱۶۰۰م به دستور الیزابت اول تأسیس شد، نشان‌دهنده کوشش گسترده انگلیس برای پایان دادن به سلطه پرتغالی‌ها در خلیج فارس و اقیانوس هند بود.

نویسنده مقدمه در ادامه به فتح جزیره هرموز و قرارداد میناب می‌پردازد که میان امام قلی خان و ادوارد مونوکس، رئیس دفتر تجاری کمپانی هند شرقی، امضا شد؛ این همکاری سبب اخراج پرتغالی‌ها از جزیره قشم و هرموز و در مجموع خلیج فارس شد.

دکتر وثوقی تأثیر فتح هرموز بر مسائل اقتصادی و سیاسی منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند را بررسی می‌کند و می‌نویسد که بازرگانان این جزیره پس از ورود نیروهای ایرانی به ناچار مهاجرت کردند و بندر مسقط و سورات از لحاظ تجارت دریایی و مسائل اقتصادی سود شایانی بردند و فتح هرموز سبب ضعیف شدن بخشهای شمالی خلیج فارس و قدرتمند شدن بخش جنوبی آن از لحاظ اقتصادی شد.

نویسنده مقدمه معتقد است با آنکه حضور پرتغالی‌ها در منطقه از نظر سیاسی و اقتصادی زیانهایی داشت، باید گفت که نخستین مطالب مدون و جزیی از تحولات سیاسی - اقتصادی خلیج فارس هم‌زمان با حضور آنها نگاشته شد؛ حضور استعمارگران در خلیج فارس سبب شد تا بسیاری از نویسندگان، تاریخ‌نگاران و جهانگردان غربی به این منطقه مسافرت کنند و اطلاعات با ارزشی بر جای گذارند. سفرنامه‌ها، یادداشتها،

نامه‌های اداری و گزارشهای رسمی پرتغالی‌ها در خلیج فارس دارای مطالب جالب و کم‌نظیری است که برای آگاهی از تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سده شانزدهم میلادی اهمیت بسیاری دارد. دکتر وثوقی معتقد است که مترجمان داخلی به منابع باارزش پرتغالی توجه نکرده‌اند و بسیاری از سفرنامه‌ها، نامه‌های رسمی، اداری و گزارشهای آنان به فارسی برگردانده نشده است و محققان کمتر از آنها استفاده کرده‌اند.

معرفی فصلهای کتاب نخستین فرستادگان پرتغالی به دربار شاه اسماعیل صفوی

فصل اول: تماسهای آزمایشی پرتغالی‌ها با کشور شاهنشاهی ایران دوره صفوی

اسمیت در این فصل به نقش ملوک هرموز در سده‌های میانه در تجارت خلیج فارس و پس‌کرانه‌های آن می‌پردازد و به موقعیت جغرافیایی هرموز و همانندی آن با مالاکا اشاره می‌کند و موقعیت جغرافیایی جزیره هرموز را عامل مهمی در پیشرفت اقتصادی این جزیره می‌داند؛ سپس چگونگی ورود پرتغالی‌ها را به خلیج فارس با فرماندهی تریستائو داکون‌ها و همراهی آلبوکرک بررسی می‌کند.

نویسنده در ادامه گزیده‌ای از نامه آلفونسو دو آلبوکرک به نایب‌السلطنه هند، دام فرانسیکو دو المیدا، را می‌آورد؛ وی در این نامه درباره شیوه آمدنش به خلیج فارس و قتل و غارت جزایر و سواحل منتهی به هرموز و فتح آن می‌نویسد. در این بخش از کتاب سیر روابط خارجی ایران با پرتغال آورده می‌شود و نویسنده عنوان می‌کند که پرتغالی‌ها هنگام نخستین سفر دریایی آلفونسو دو آلبوکرک به هرموز تصمیم گرفتند تا با دربار شاه اسماعیل اول (۱۵۰۲-۱۵۲۴) ارتباط برقرار کنند، اما چند روز پس از اینکه آلبوکرک، امیر هرموز و وزیر او خواجه عطا را مجبور ساخت تا سالانه مبلغ پنج هزار سرافین طلا به مانوئل، پادشاه پرتغال، خراج بپردازند و زمانی که آلبوکرک بنای قلعه را

در هرموز آغاز کرد، در اکتبر ۱۵۰۷ خواجه عطا به آلبوکرک خبر داد که در ساحل مقابل هرموز و در کرانه ایران دو نفر فرستاده از سوی امیر شیراز آمده‌اند و خراج سالیانه شاهان ایران را طلب می‌کنند. این فرستادگان از سوی شاه اسماعیل، ولی نعمت امیر شیراز آمده بودند؛ پس خواجه عطا از آلبوکرک کسب تکلیف کرد که چه پاسخی به آنها بدهد، ادامه فصل درباره همین مطلب است.

فصل دوم: سفارت نافرجام روی گومز دوکاروال هوسا - ۱۵۱۰

در این فصل اسمیت عنوان می‌کند که در سال ۱۵۱۰ سفیر ایران با اعتبارنامه به دربار شاه دکن، یوسف عادل شاه (۱۴۹۰-۱۵۱۰) فرستاده شد و چون خبر وفات پادشاه دکن را شنید به نزد آلبوکرک رفت.

نویسنده به فرازی از نامه دومانوئل، پادشاه پرتغال، به اسقف سگوویا می‌پردازد. در این نامه به سفارت روی گومز کاروال هوسا، سفیر پرتغالی گوا، اشاره شده است که همراه امیر ابواسحاق، فرستاده ایران، نزد پادشاه دکن رفت. همچنین آلبوکرک، روی گومز را با نامه‌هایی برای شاه اسماعیل و امیر هرموز به دربار ایران فرستاد اما این مسافرت به قیمت جان او تمام شد. در این فصل، نامه آلبوکرک به شاه ایران آورده شده است.

فصل سوم: سفارت میگل فریرا ۱۵۱۵-۱۵۱۳

اسمیت در این فصل می‌نویسد که شاه اسماعیل مذهب شیعه را مذهب ملی و رسمی ایران اعلام کرد. او نخستین شاه دودمان صفوی بود که ایران را پس از نهمصد سال تفرقه و سلطه بیگانه به صورت کشوری متحد و یکپارچه درآورد و شهر تبریز را در سال ۱۵۰۲م پایتخت خود قرار داد. اغلب تاریخ‌نگاران، شاه اسماعیل اول را بانی و

مؤسس ایران نوین می‌دانند و نویسنده یادآوری می‌کند هنگامی که انگلیسی‌ها و پرتغالی‌ها از قبیله ژرمن‌ها و امپراتوری روم تشخیص داده نمی‌شدند، ایرانیان ملتی مستقل و یکپارچه بودند.

در ادامه این فصل به فرازی از نامه آلفونسو دو آلبوکرک به دورات گالوام و همچنین فرازی از نامه آلفونسو دو آلبوکرک به دومانوئل، پادشاه پرتغال، در چهاردهم دسامبر ۱۵۱۳ پرداخته می‌شود. در این دو نامه به سفارت سفیران آلبوکرک و شاه اسماعیل صفوی با مرکزیت هرموز اشاره شده است؛ از جمله شرح سفر و سفارت میگل فریرا و هیئت همراهش به جزیره هرموز در گزارشی آمده است.

اسمیت در ادامه درباره چگونگی رفتن میگل فریرا به نزد شاه اسماعیل صفوی و آداب دیپلماتیک و شیوه پذیرایی مطالبی می‌آورد و به آداب رسوم ایرانی‌ها در آن دوره، پوشش آنها و مسائل اجتماعی دیگر می‌پردازد و به ویژه از شیوه شکار کردن شاه اسماعیل سخن به میان می‌آورد.

فصل چهارم: مسافرت پدرو دو آلبوکرک به جزیره بحرین و خلیج فارس - ۱۵۱۴
آلفونسو دو آلبوکرک، نایب‌السلطنه هند، در فوریه ۱۵۱۴ برادرزاده‌اش، پدرو دو آلبوکرک را در رأس ناوگانی به سوی دریای سرخ فرستاد؛ یکی از مأموریت‌های این ناوگان آگاهی کامل از وضعیت جزیره بحرین و گرفتن خراج هرموز از حاکم آنجا بود. نویسنده در ادامه درباره شکست پدرو آلبوکرک در مأموریتش به هرموز مطالبی می‌نویسد.

فصل پنجم: استقبال آلفونسو دو آلبوکرک از فرستاده ایران - که همراه میگل فریرا آمده بود - جزیره هرموز - ۱۵۱۵

اسمیت در این فصل به ادامه سفر پدرو آلبوکرک می‌پردازد و می‌نویسد هنگامی که پدرو آلبوکرک از مدخل دریای سرخ و هرموز به گوا بازگشت، جریان مسافرت خود را به اطلاع عمویش رسانید و به نایب‌السلطنه هند گفت که امیر هرموز دستار و خطبه شاه اسماعیل را پذیرفته است و این سرزمین را یک نفر ایرانی به نام رئیس نورالدین اداره می‌کند که مایل است هرموز را به شاه اسماعیل واگذار کند.

نویسنده همچنین به سفر آلبوکرک و ترک گوا به مقصد هرموز در ۲۱ فوریه ۱۵۱۵ اشاره می‌کند. در این سفر فرستاده آلبوکرک به دربار شاه اسماعیل اول و فرستاده رسمی ایران به گوا، با آلبوکرک دیدار می‌کنند و او در مراسم باشکوهی سفیر شاه اسماعیل را به حضور می‌پذیرد و پس از تحویل هدیه‌ها، احوال شاه اسماعیل را از سفیر ایران جویا می‌شود؛ سپس با گشاده‌دستی همه هزینه مسافرت فرستاده ایران و همراهانش را به هرموز پرداخت می‌کند. سفیر ایران و آلبوکرک درباره مسائل سیاسی و اقتصادی صحبت می‌کنند و آلبوکرک از پذیرفتن اغلب درخواستهای سفیر شاه اسماعیل طفره می‌رود. سرانجام، سفیر ایران در ۵ مه ۱۵۱۵ در حالی که فرنائوگومز، سفیر آلبوکرک به نزد شاه اسماعیل، او را همراهی می‌کرد، هرموز را به مقصد ایران ترک گفت.

فصل ششم: سفارت فرنائوگومز دو کومز ۱۵۱۶-۱۵۱۵

نویسنده در این فصل عنوان می‌کند که آلبوکرک با فرستادن این سفیر می‌خواست خشم شاه اسماعیل را به دلیل اشغال هرموز فرو نشاند و همچنین بنا به درخواست فرستاده ایران، به دیدار سفیر پاسخ دهد و از اوضاع و احوال ایران و مسیحیان آنجا اطلاعاتی به دست آورد.

اسمیت در این فصل به مسیر حرکت هیئت سفارت از هرموز و بندرعباس به شیراز و اطلاعات جغرافیایی، تاریخی و اقتصادی مربوط به این مسیر تا رسیدن به دربار شاه اسماعیل اشاره می‌کند و برای تکمیل اطلاعات جغرافیایی تاریخی خود از کتاب سرزمینهای خلافت شرقی، اثر گی‌لسترینج کمک می‌گیرد. نویسنده در فصل ششم دربارهٔ چگونگی پذیرفته شدن هیئت سفارت در دربار شاه اسماعیل، هدیه‌های سفیر به شاه و پاسخهای تند و صریح شاه اسماعیل به سفیر پرتغال در مورد نپذیرفتن برخی از درخواستهای او مطالبی آورده است.

فصل هفتم: مسافرت فرنانو مارتینز اوانجلو به لار ۱۵۱۵

نویسنده در ابتدای فصل خلاصه‌ای از نامهٔ آفونسو دو آلبوکرک به دومانوئل، پادشاه پرتغال را آورده، در این نامه چنین آمده است:

بعد از اینکه وارد هرموز شدم امیر لار با اعزام فرستاده‌اش به همراه نامه‌ای به هرموز، اظهار علاقه نمود که از من دیدار کند. او ضمن اینکه یک رأس اسب از لار برایم فرستاد در نامه‌اش هم بسیار تعریف کرد که هر چه در لار دارد در اختیارم بگذارد. فاصلهٔ لار تا هرموز سه روز راه است. لار از شهرهای بزرگ ایران است و خراج‌گزار شیخ (شاه) اسماعیل می‌باشد. اینجانب نیز فرنانو مارتینز اوانجلو با مقداری پارچه چیت و سایر امتعه محصول قلمرو آن اعلیحضرت را به لار فرستادم تا او این کالاها را به فروش برساند و در مقابل به خرید اسب و سایر اقلام پرمفعت بپردازد.

سفر فرنانو مارتینز به احتمال موفق بود؛ زیرا در سال ۱۵۱۷ از بندر گوا در هند رهسپار دیو* شد تا در آنجا به دستور فرنانو دو الکاوا، به خرید و فروش کالا مشغول شود.

*Div

فصل هشتم: تماس پرتغالی‌ها با بحرین و سایر نقاط خلیج فارس - ۱۵۱۵

اسمیت در فصل هشتم درباره دیدار امیر بحرین، امیر بصره و میر ابواسحاق، صاحب منصب شاه اسماعیل، با آلبوکرک مطالبی آورده است.

فصل نهم: مسافرت جوائو دو میرا به بصره و به دهنه دجله و فرات ۱۵۱۷ و ۱۵۲۱

نویسنده در این فصل به چگونگی دستیابی اروپا به خلیج فارس در دوره باستان در عهد تراژان می‌پردازد و می‌نویسد که تراژان نخستین و آخرین امپراتوری بود که به آبهای خلیج فارس توجه کرد و ۱۴۰۰ سال بعد دریانوردی دیگر از شبه جزیره اسپانیا - پرتغال به رودخانه فرات چشم دوخت.

همچنین در این فصل از ناقص بودن گزارشها از نخستین سفرهای دریایی پرتغالی‌ها به بصره در اسناد پرتغالی سخن به میان آمده و در ادامه درباره چگونگی مسافرت جوائو دو میرا، ناخدای کشتی سن ژرژ، همراه آنتونیو گیل، نماینده تجاری پادشاه پرتغال، به بصره و به مدخل دجله و فرات و تجارت گندم میان بصره و هرموز مطالبی نوشته شده است.

فصل دهم: سفارت بالتاسار پَسوا ۱۵۲۳-۱۵۲۴

نویسنده در این فصل می‌نویسد که هدف از آمدن بالتاسار پَسوا به هرموز نجات این جزیره از تجاوز افراد شاه اسماعیل بوده و شرح سفارت وی از کتاب تئریو گرفته شده که خودش عضو این هیئت بوده است. بالتاسار پَسوا و همراهانش اول سپتامبر، جزیره هرموز را به مقصد بندرعباس ترک کردند تا از راه تجارتهی هرموز به لار و سپس به شیراز و دربار شاه اسماعیل بروند. پرتغالی‌ها در نزدیکی اردبیل از بیماری شاه اسماعیل باخبر شدند و در تبریز شنیدند که وی در ۱۸ رجب ۹۳۰ وفات کرده و شاه طهماسب بر تخت نشسته است؛ پس سفیر پرتغال رهسپار اردوگاه شاه طهماسب شد تا

استوارنامه‌اش را به وی تسلیم کند، اما شاه طهماسب بدون توجه به درخواستهای سفیر، او را مرخص کرد و بالتاسار پسوا با نارضایتی به هرموز بازگشت.

فصل یازدهم: امارت و شهر لار به روایت آنتونیو تنزیرو

اسمیت در این فصل به نقل از تنزیرو شهر لار را از نظر جغرافیای طبیعی، انسانی و اقتصادی توصیف می‌کند و می‌نویسد که شهر لار چهار هزار نفر جمعیت دارد. در این شهر نوعی کمان موسوم به کمان ترکی ساخته می‌شود که از نظر زیبایی پرآوازه است. خرما و جو از مواد غذایی عمده لار است که در شهر به وفور یافت می‌شود، پول رایج لار، لاریم نام دارد و ارزش آن سه وینته است، پرورش مادیان و اسب از مشاغل مهم شهر لار است و لاری‌ها اسب و مادیان را به هرموز می‌برند و برای تجارت به هند می‌فرستند. لار در تابستان آب و هوای بسیار گرمی دارد و باران کم می‌بارد. نویسنده به سیستم حمل و نقل در این شهر نیز اشاره می‌کند.

فصل دوازدهم: شهر شیراز به روایت آنتونیو تنزیرو

اسمیت در فصل دوازدهم، شیراز را از قول تنزیرو این‌گونه توصیف می‌کند:

شیراز شهری است بزرگ و مرکز ایالت فارس‌ها در نزدیکی رشته کوهی که به سمت غرب کشیده شده، قرار دارد. این شهر، شهری است باستانی که حصارهای سنگی - که در خیلی جاها ویران شده - آن را دربرمی‌گیرد... شیراز در نزد ایرانیان بسیار مشهور و پرآوازه است، طوری که آنها می‌گویند، روزگاری که شیراز آباد و پررونق بود، قاهره حومه آن محسوب می‌گردید. ساکنان شیراز اکثراً ترکمن و فارس‌اند... در شیراز باغهای گل و میوه و نیز مزارع سرسبز و باغهای میوه‌هایی از قبیل سیب و گلابی، هلو، به و انگور الیکانت *Alicant* وجود دارد... در اینجا همچنین اسبهای زیادی پرورش می‌دهند که به منظور تجارت به هند می‌فرستند.

نویسنده در ادامه به توصیف آثار تاریخی، باغها، درختان و وسایل تفریحی در شیراز آن زمان می‌پردازد.

فصل سیزدهم؛ شرح به شکار رفتن شاه اسماعیل و شرکت فرنانو گومز دو لومز به روایت گیل سیمونیز - ۱۵۱۵

نویسنده در این فصل به روایت گیل سیمونز، مطالبی درباره‌ی به شکار رفتن شاه اسماعیل آورده است و می‌نویسد که فرنانو گومز، سفیر پرتغال، نیز به دستور شاه اسماعیل اول در اردوگاه حضور داشت و شیوه‌ی شکار حیوانات را نظاره می‌کرد. شاه اسماعیل در پایان شکار از سفیر پرتغال می‌پرسد که آیا پادشاه پرتغال هم این‌گونه شکار می‌کند و سپس به توصیف شکار خودش در مناطق و سالهای مختلف می‌پردازد.

در پایان کتاب نیز فهرست اعلام و کتابنامه آمده است. مؤلف برای نگارش کتاب از شانزده اثر و سفرنامه استفاده کرده که بین سالهای ۱۵۰۰ تا ۱۶۵۲ میلادی نوشته شده و اغلب از منابع دسته اول مربوط به هر دوره‌اند.

اسمیت در لابه‌لای متن، برخی از مطالب منابع دسته اول را نقد می‌کند و می‌نویسد که منابع و اسناد پرتغالی ناقص است؛ برای مثال نام شیراز و تبریز در این منابع جابه‌جا شده است و در این باره توضیح می‌دهد. در فصل سوم، صفحه ۳۵، درباره‌ی مسائل ایران زمان صفویه غرض‌ورزیهایی صورت گرفته است.

کتاب نخستین فرستادگان پرتغال به دربار شاه اسماعیل صفوی با حمایت مالی مهندس عبدالزهره وطن‌دوست، مدیر عامل گروه صنعتی پلیمر بوشهر، چاپ شده است.

فرم اشتراک فصلنامه تاریخ روابط خارجی

خوانندگان محترم می‌توانند در صورت تمایل به اشتراک فصلنامه، فرم زیر را تکمیل نموده و به همراه فیش پرداخت حق اشتراک به یکی از شعب بانکهای ملی ایران در وجه حساب ۲۱۷۱۲۰۹۰۰۲۰۰۳ نزد بانک نیاوران (کد ۱۷۰۱) به نام مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، قابل پرداخت در کلیه شعبه‌های بانک ملی ایران، به نشانی: تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۷۴۶ ارسال فرمایند.

حق اشتراک سالانه همراه با هزینه‌های پست:

داخل کشور: تهران: ۳۴۰۰۰ ریال شهرستان: ۳۶۰۰۰ ریال

خارج از کشور: آمریکا و کانادا: ۴۰ دلار اروپا: ۳۲ دلار

خاورمیانه: ۲۵ دلار بقیه کشورها: ۴۰ دلار

نام و نام خانوادگی: شماره گواهینامه شناسایی و تحصیلات:

حرفه: نشانی:

کد پستی / صندوق پستی:

تلفن: شماره فاکس:



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی